

تحلیل مفهوم «حق زندگی سایبری» و نسبت آن با حقوق بشر

خیرالله پروین^۱

سجاد کریمی پاشاکی^{۲*}

چکیده

با رشد فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات و ابزارهای مربوط به آن، فهم بشر نسبت به فضایی متفاوت از آنچه که به آن فضای فیزیکی گفته شد، توسعه یافت. به این ترتیب هم سو با فضایی مشتمل بر فضایی از حقایق و واقعیت‌های فیزیکی که از ویژگی آن ملموس بودن است، فضایی متشکل از داده‌های اطلاعاتی که حسب نیازهای انسانی ایجاد و حد و حصر آن نسبت به فضای فیزیکی نامحدودتر می‌باشد، شکل گرفت. به تناسب حضور و استفاده مردم از فضای سایبر به عنوان قرینه‌ای بر زندگی فیزیکی، دولت‌ها حقوق و تکالیفی نیز برای استفاده از این فضا پیش‌بینی کردند اما آنچه که در این میان به همراه شکل‌گیری جوامع مجازی، شهروند مجازی، تعاملات مجازی، هویت مجازی، امنیت مجازی و... مطرح می‌شود این است که آیا افراد به سمت شکل‌گیری نوعی زندگی سایبری سوق یافته‌اند؟ از این رو پاسخ به این سؤال که حق زندگی سایبری چیست و چگونه چنین حقی می‌تواند در زمره حق‌های بشری محسوب شود؟ موضوعی است که این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تبیینی به آن می‌پردازد. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که: حق زندگی سایبری از جمله حقوق نسل چهارمی بشر محسوب می‌شود که با توجه به اقتضائات حاکم بر جوامع انسانی، زندگی فیزیکی انسان‌ها را متأثر از خود ساخته و به تبع آن فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهایی را در حوزه سیاست‌گذاری عمومی ایجاد نموده است..

واژگان کلیدی: حق زندگی سایبری، حقوق بشر، فناوری، هویت مجازی، فضای سایبر



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل و

پنجاه و یک،

زمستان ۱۴۰۲

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

* Sajadkarimipashaki@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاه و یک، صص ۲۱۵-۱۹۳

مقدمه

عبارت «مجاز» از جمله مضامین مورد استفاده در قرینه‌سازی با حقیقت به شمار می‌رود. از این رو است که خیال، رؤیایپردازی، شعر و موسیقی و مکتوبات و... معطوف به واقعیت‌های زندگی، از گذشته تاکنون «مجاز» را به منصفه ظهور رسانده‌اند. در اعصار مختلف تاریخی ابزارهای ظهور و بهره‌مندی از مجاز بنا به نیازهای انسانی و نیز رشد تکنولوژی تغییر و به تبع، توسعه یافته است. اما امروزه با فراگیری رایانه و شبکه‌های متصل‌کننده ارتباطی و نیز تبادل اطلاعات در گستره جهانی -که بدو این ظهور ناشی از انقلاب اطلاعات و سپس منبعث از انقلاب تکنولوژیک است- رشد سریعی در ایجاد و توسعه فضای مجازی، تحت قالبی با عنوان فضای سایبری به وجود آمد و بر همین مبنا دولت‌ها و مجامع بین‌المللی به منظور تنظیم و تنسيق‌بخشی حق‌ها و تکالیف و برای اداره امور و نیز نظام‌بخشی این فضا، سیاست‌هایی را پایه‌ریزی و قوانین و مقرراتی را وضع کردند. با این حال آنچه که در این میان، صرف‌نظر از سیاست و قاعده‌گذاری پیرامون این حق‌ها و تکالیف که ناشی از کنش‌ها و واکنش‌ها در این فضا می‌باشد، قابل تأمل، بحث و بررسی است؛ درک مفهوم زندگی سایبری، معطوف به نیاز انسان و به عنوان زمینه شکل‌گیری نوعی از حق است. توجه به این موضوع که مراجع قاعده‌گذار یا سیاست‌گذار-در صورت حق پنداشتن «زندگی سایبری»- آیا تکلیفی بر حفظ امنیت شهروندان خود در این فضا دارند و یا اینکه می‌توانند نسبت به سلب حق دسترسی و یا تحدید آن اقدام نمایند؟ و در همین نسبت آیا می‌توان نسل جدیدی از حقوق بشر را در کارکرد این حق متصور شد؟، مستلزم آن است که به مفهوم حق زندگی سایبری، در ماهیت وجودی و کارکردی‌اش توجه گردد و دامنه فعالیتی فضای سایبری و حقوق متصور بر آن از حیث زندگی مجازی انسان عصر تکنولوژیک، و وابستگی آن به فضای سایبر به عنوان یکی از ضرورت‌ها و نیازهای جوامع حاضر مورد مطالعه قرار گیرد. گستردگی شقوق مربوط به حق‌ها در فضای سایبر اعم بر قاعده‌گذاری حقوقی برای اداره این فضا، مانند وضع قوانین ملی و یا ملازماتی که فضای سایبر جهت تحقق حق‌های بنیادین دیگر دارد مانند: حق دسترسی به اینترنت و نیز حق داشتن یا حفظ هویت مجازی، مکملی بر حق‌های اساسی چون: حق بر آزادی بیان و ابراز عقیده و نیز

حق بر توسعه و مجتمعاً حق بر زندگی است. اما بحث این مقاله منحصرأ بر شکل‌گیری، «حق زندگی سایبری» متمرکز شده و نسبت این حق با حقوق بشر طی این تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این مقاله با مطالعه دوره پس از جهانشمولی فناوری سایبری در صدد پاسخ به این سؤال است که حق زندگی سایبری چیست و چگونه چنین حقی می‌تواند در زمره حق‌های بشری قرار گیرد؟

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه فضای سایبر، و حقوق منبعث از آن مطالعات و تحقیقات بسیاری صورت پذیرفته شده که غالباً به الزامات حقوقی فضای سایبر و یا استفاده از این فضا در راستای تحقق حق‌های دیگر پرداخته شده است. مقاله «حق دسترسی به اینترنت؛ مبانی و محتوا»، دسترسی به اینترنت را به عنوان حق افراد مورد بررسی قرار داده و عناصر حاکم بر این حق را بیان می‌دارد. (Ansari, 2021:51-79) در مقاله «فضای سایبر و حقوق بشر» نیز مؤلف به نقش فضای سایبر در حقوق بشر پرداخته و نتیجه می‌گیرد که فضای سایبر به طور فزاینده‌ای در معرض سیاست‌های خشن بین‌المللی که سابقه خوبی در زمینه حقوق بشر ندارند، قرار گرفته است. (Fidler, 2015:130-151) و یا مقاله «حقوق بشر در فضای سایبر» به چگونگی اعمال حق‌های بشری در فضای سایبر اشاره می‌نماید. (Hamelink, 1999:31-46) این مقالات از جمله مقالاتی هستند که به مقوله حق‌ها در فضای سایبر و نیز نقش آن در حقوق بشر پرداخته‌اند. با این حال مقاله حاضر از آن جنبه که در تلاش برای فهم و تحلیل حق زندگی سایبری به عنوان نسل جدیدی از حق‌های اساسی بشر است، متفاوت از مقالات گفته شده تنظیم و تدوین یافته است.

۲. مفاهیم و مبانی نظری

در این بخش از مقاله به مفاهیم و مبانی نظری تحقیق از طریق پرداختن به مفهوم حق بر زندگی و نیز زمینه‌های تکنولوژیک زندگی انسانی از نیاز تا حق و تکلیف پرداخته و نسبت به این مفاهیم مطالبی بیان می‌گردد.

۲-۱. حق زندگی

حق زندگی از جمله مهم‌ترین و اصلی‌ترین حق مربوط به انسان و یا هر موجود زنده دیگر محسوب می‌گردد که هم آموزه‌های اخلاقی و نیز دینی و اکنون نیز قواعد

بین‌المللی چون اسناد سازمان‌های بین‌المللی بر آن اتفاق نظر دارند. در واقع دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر حق حیات است. (Qari, 2000:150) در مطالعات تاریخی این حق، می‌توان با قدرت ادعا نمود که حق بر حیات یا زندگی، به درازای تاریخ امتداد دارد و این امر در سطحی‌ترین بیان، ناشی از غریزه انسان در محافظت از خویش به ویژه عواملی که متعرض یا محدود کننده آن می‌باشد، است. لذا در متون تاریخی، مانند قانون حمورابی بر پیشبرد رفاه بشریت با ایجاد ضمانت‌هایی چون اینکه افراد قوی نباید به افراد ضعیف آسیب بزنند، صحبت شده است. (Lauren, 2013:94) (Roth, 1997:76) طبیعتاً حق زندگی در اعصار و ادیان و مذاهب مختلفی که بشریت با آن سر و کار داشته، مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که در قرآن به نحوی خاص حق بر حیات و تحفظ آن مورد توجه قرار گرفته است. در آیه ۳۲ سوره مائده آمده است: «... برای همین بر بنی اسرائیل نوشتیم (واجب کردیم) که هر کس شخصی را بکشد بدون اینکه قتلی انجام داده یا در زمین فساد کرده باشد، مانند این است که تمام انسان‌ها را کشته است، و کسی که یک شخص را زنده کند، مانند این است که تمام انسان‌ها را زنده کرده است.»^۱ بر همین اساس است که هر حقی که برای انسان در نظر بگیریم، و هر کمالی که انسان باید به آن برسد وابسته به حیات است. (Aghah, 2003:160) و بسیاری از حق‌ها یا در ماهیت منبعث از حق حیات محسوب می‌شوند و یا اینکه در شکل و کارکرد، وابسته به این حق هستند.

در اسناد بین‌المللی حق زندگی جزء نخستین حقوق بنیادینی است که مورد توجه قرار گرفته است. در تاریخ معاصر، بر اساس بخش ۱ اعلامیه حقوق در ویرجینیا مصوب ۱۷۷۶؛ همه انسان‌ها آزاد، برابر و مستقل دانسته شده که دارای حق حیات، آزادی و خوشبختی و امنیت‌اند. این امر اما در اعلامیه حقوق بشر و شهنوردی سال ۱۷۸۹ فرانسه پیش‌بینی نشد و به صراحت از حق بر حیات، علیرغم تصریح بر حق بر امنیت در حفاظت از حقوق طبیعی، حمایتی صورت نگرفت. (Maslen, 2021:4) پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم و آثار خشونت بار آن علیه بشریت، حق بر زندگی مورد توجه جوامع

^۱ «مَنْ أَجْلِيَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»، قرآن کریم

جهانی به ویژه در اسناد بین‌المللی قرار گرفت. به نحوی که در مواد اولیه هر یک از این اعلامیه‌ها و اسناد از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۶، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳ و نیز اعلامیه حقوق بشر در اسلامی ۱۹۹۰، بر حفظ زندگی انسان و احترام به آن با الفاظ مشترک و مشابه تاکید شده است.

با این حال کیفیت حفظ زندگی و یا چگونگی اجرای حق زندگی از استاندارد واحدی برخوردار نیست به نحوی که برخی از محققان از دیدگاه سلبی به تعریف حق زندگی انسان توجه دارند به این معنا که این حق نباید از طریق سلب زندگی مورد تعرض واقع شود. از سوی دیگر تحدید زندگی انسانی از طریق شیوه‌های تحدید کننده نیازها اعم بر: عدم دسترسی کافی به منابع غذایی، امنیت، بهداشت و سلامتی، کار متناسب جهت تأمین معیشت می‌تواند زمینه تعرض به حیات انسانی را به وجود آورد لذا این امر از جمله مقولاتی است که در تعریف ایجابی حق زندگی انسان، پرداختن به آن را اجتناب ناپذیر می‌نماید. به عبارتی برخلاف تعریف سلبی، می‌بایست اصول مشترک حاکم بر تحقق حق زندگی احصاء و مشخص گردد که در این میان حقوق اساسی دیگری مشتق از حق زندگی موضوعیت خواهد یافت که می‌توان در این میان به حق بر کرامت انسانی، حق بر اشتغال، حق بر مسکن، حق بر امنیت و... را نام برد. در نتیجه حق زندگی اولین حق بشری محسوب می‌شود که تحقق آن از حیث کمی و کیفی در گرو به‌ظهور رسیدن برخی دیگر از حقوق اساسی و بشری خواهد بود.

۲-۲. زمینهٔ تکنولوژیک زندگی انسانی؛ نیاز، حق و تکلیف

برای نیازهای انسانی نمی‌توان حد و مرزی قائل شد. از این رو است که به فراخور شرایط، ضرورت‌ها و توسعه علم، این نیازها از طریق تکنولوژی، رویاهای گذشته را تبدیل به واقعیت‌های روزمره یا آینده می‌نماید. ارنست یونگر^۱ (۱۸۹۵-۱۹۹۵) متفکر آلمانی، تا بدانجا پیش رفت که فناوری را مابعدالطبیعه حقیقی سده بیستم خواند. (Rajaei, 2003: 110) در قرن بیست و یکم این مابعدالطبیعه به پارادایمی حاکم بر

^۱. Ernest Junger

جوامع تبدیل شد. دوره دیجیتال شروع عصر برزندگی است و تغییر و دگرذیسی ارزش‌ها و موقعیت‌ها به سرعت رخ می‌دهد. (2: 2022: Taherikia) ایجاد ملازمه میان نیاز انسان به آگاهی، کشف و زندگی بهتر، برقراری ارتباطات فرامرزی و نقش‌آفرینی در صحنه‌های اجتماعی دیجیتال از یک سو و مطالبه از علم و تکنولوژی به منظور برآورده ساختن این حوائج باعث شد تا موجبات تبدیل این نیازها به حق رقم بخورد و جهانی‌شدنی که مک لوهان^۱ بدان پرداخت، مصداقی عملیاتی‌تر از جهانی‌شدن فناوری اطلاعات نیافته است و ظهور جوامع اطلاعاتی و نیز شبکه‌های اجتماعی خود بازگو کننده ابعاد این جهانی‌شدن می‌باشد. (Karimi pashaki and Bordbar tahergorabi, 2019: 19) این امر خود بیانگر اشتراکات جوامع بشری در حوزه تکنولوژی و فناوری اطلاعات می‌باشد که تأثیر به‌سزایی در ساختارهای اجتماعی داشته است. ساختار جوامع ما به نحو روزافزونی پیرامون تقابل دو قطبی میان شبکه و خویش شکل می‌گیرد. در شرایطی که کارکرد و معنا دچار دوگانگی ساختاری، الگوهای ارتباط اجتماعی بیش از پیش دچار تنش می‌شوند. (Castells, 2006: 29)

رشد کمی و کیفی تکنولوژی به‌ویژه در حوزه سخت‌افزار و نرم‌افزار و توسعه استفاده از رایانه توسط مردم، به ایجاد روابط مجازی کمک شایانی نمود. تکنولوژی به کمک فناوری‌هایی چون: هوش مصنوعی، رسانه‌های زیرپوستی^۲، مداخله ژنتیکی، پیوند اعضا، عضوهای مصنوعی، واقعیت‌های سه‌بعدی مجازی، درمان‌های هرمونی و غیره موجب ایجاد احساسات جدیدی در انسان گردید که حتی بعضاً فراتر از انسانیت قلمداد می‌گردند. مثلاً می‌توان به کمک آن‌ها جهان را از چشم یک مورچه نگریست! آنچه تغییر می‌کند نه مفاهیم فرهنگی بلکه مفاهیم فراتاریخی و بیولوژیکی است. انسان در حال تغییر است نه جهان پیرامون انسان. ما شخصیت جزمی خود را تغییر داده‌ایم و تعلق ما به این جامعه ارتباطی جدید چیزی جز «احساس» ارتباط با یک گروه نیست (Basu and Jones, 2007: 5) برای همین برخی نویسندگان این فضا را تصویری خیالی^۳ یا فراضا^۴ نامیده‌اند. (Almog, 2002) در سال ۱۹۸۴ شخصی به نام ویلیام گیسون

¹. Mac Lohan

². Hypodermic

³. Simulacra

⁴. Hyperspace

با تألیف رمانی با عنوان نیورومنسر^۱ اصطلاح فضای سایبر را بکار برد که در آن فضای سایبر به حرکت در فضای دیجیتال به وسیله رایانه‌های متصل به هم تصور شده بود (Gregory & et. al, 2009: 139). دیری نپایید که کارکرد مفهوم فضای سایبر موضوع این رمان، به منصفه ظهور رسید. امروزه واژه سایبر به عنوان پسوندی به همراه بسیاری از کلمات مرتبط با علوم رایانه‌ای استفاده می‌گردد. در واقع فضای سایبر بستری برای تعامل انسان‌ها از طریق سیگنال‌های دیجیتال است. (Warf, 2006:83) میلیاردها نفر کاربر رایانه به امر مبادله اطلاعات در این محیط پرداخته و رشد و توسعه بسیار سریع این مقوله باعث شده که تکنولوژی‌های روز را تحت تأثیر خود قرار دهد و نیز در مواردی از آن‌ها تأثیر نیز بپذیرد. تنها با طی فاصله یک صفحه نمایش و با ابزاری چون صفحه کلید و یا ورودهای دیگر می‌توان حجم انبوهی از اطلاعات را مشاهده و یا انتقال داد. (Karimi Pashaki and Pishgahifard, 2015: 240)

ملازمه تکنولوژی و توسعه آن با نیاز بشر برای زندگی، این فضا را فراهم نمود که به موازات نیازها، تکنولوژی نیز توسعه یابد و به موازات رشد تکنولوژی نیازهای جدید مطرح شود. این نیازها در حوزه عمومی، سیاست‌های ملی و فراملی را به تناسب زندگی انسانی به سمت و سوی تنظیم و تنسيق بخشی فضاهای ایجاد شده رهنمون ساخت به نحوی که به تناسب این نیازها، حق‌هایی تأسیس و ساز و کارهایی برای اجرای این حق‌ها از طریق عمل قاعده‌گذاری دولت‌ها پیش‌بینی گردید. چه بسا پهنه گسترده فضای تبادل اطلاعات، دولت‌ها را از بیم تعرض به امنیت زیرساخت‌های سایبری و حفظ حریم خصوصی کاربران برآن داشت تا قوانینی را برای تحدید آزادی اعمال اراده در فضای سایبر به تصویب رسانند. این امر زمانی پیچیدگی و وسعت کارکردی به خود می‌گیرد که هوش مصنوعی نیز در آن ایفای نقش کند به این ترتیب است که علاوه بر کاربران، ابزاری هوشمند نیز تسهیل‌گر نیازهای انسانی هستند. این ایفای نقش تا جایی تهدید محسوب نمی‌شود که، استقلال تصمیم‌گیری و آگاهی‌های این هوش‌های مصنوعی خطری برای انسان برشمرده نشده و متعرض به امنیت عمومی نمی‌گردد. در واقع، فناوری‌های هوش مصنوعی (به‌ویژه فناوری‌های بیومترک مانند فناوری‌های تشخیص

^۱. Neuromancer

چهره یا صدا یا انگشت) می‌توانند حجم زیادی از انواع داده‌های شخصی را به نحو سریع و آسانتری جمع‌آوری، پردازش و مبادله کنند بی‌آنکه امکان رعایت اصول و حقوق مربوط به حمایت از داده‌های شخصی در مورد آنها وجود داشته باشد. (Ansari and Attar and Salehi, 2023: 165)

۳. یافته‌های تحقیق

در این بخش به یافته‌های تحقیق پرداخته و تلاش شده تا در راستای پاسخگویی به سؤال تحقیق این مسائل مورد تحلیل، تبیین و بررسی قرار گیرند.

۳-۱. انسان و هویت مجازی در فضای سایبری

زندگی سایبری، با هویت مجازی عجین است. همانطور که پذیرفته شده هویت‌ها غیرقابل انعطاف و ثابت نبوده و تجلی آن به واسطه تعامل با دیگران و زمینه‌های اجتماعی و عاطفی و نیز موقعیت‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، تغییر و سازگاری می‌یابد (Grande Branger, 2023: 38-47)، بنابراین این هویت‌ها در فضایی بی‌حد و حصر و به دور از موانع زندگی واقعی می‌توانند تنوع بسیار بیشتری داشته باشند.

انسان‌ها در زندگی جاری خود دارای هویتی واقعی هستند و عموماً اعمال و رفتارشان به طور ملموس قابل درک می‌باشد. با این حال این درک و فهم، نسبی است، و فهم برخی از رفتارهای انسان مبتنی بر نیت، انگیزه‌ها و یا برداشت‌های متفاوت از آن، فهم مجازی را -که می‌تواند قرینه‌ای در واقعیت فیزیکی باشد- پدید آورد. هویت مجازی از ویژگی‌های فعالیت در فضای سایبر است. زمانی که کاربران در فضای سایبر مشغول فعالیت می‌باشند در قالب نوعی هویت مجازی فعل و انفعال دارند. این هویت مجازی می‌تواند الزاماً منطبق بر هویت واقعی نباشد و نوعی گمنامی را در این فضا تداعی کند. بی‌نامی در واقع نوعی شناخته‌نشده و بی‌هویتی به وسیله ویژگی و صفت عدم ردیابی صفات است. این تعریف عمومی از بی‌نامی است که تمام انواع مختلف بی‌نامی را در بر می‌گیرد. (Khosravi, 2010: 8) این عدم تطابق هویت واقعی و مجازی و به عبارتی بی‌نامی در فضای مجازی باعث می‌شود تا کاربران بتوانند در هویت‌های گوناگونی ظاهر

۱. هرچند که امکاناتی فناورانه‌ای برای شناسایی و رصد کاربران با هویت‌های غیرحقیقی وجود دارد اما به تناسب آن کاربران نیز امکانات مشابهی برای دور ماندن از شناسایی به ویژه توسط مراجع قانونی به‌کار می‌گیرند.

شوند. در فضای مجازی، هویت یک کاربر با اطلاعات محرمانه‌ای پوشانده شده است. (Sabbaghian, 2011: 58) وقتی شخصی در فضای سایبر دارای شناسه کاربری با مشخصاتی متفاوت از آنچه در جهان فیزیکی وجود دارد می‌شود، الزاماً در پی اعمال متخلفانه نیست، بلکه برای خود هویتی جدید را به وجود می‌آورد تا بتواند بر اساس آن ارتباطات خود را در این فضا سمت و سو دهد. این امر با توجه به فراملی بودن این فضا منجر به ایجاد هویت‌های فراملی جدیدی می‌شود همانطور که در حوزه اقتصادی جریان‌های فراملی رو به رشد و شکل‌گیری فرامرزی هستند، سایت‌های اقتصادی منجر به ایجاد هویت‌های فراملی جدیدی گردیده‌اند. (Mengin, 2004: 9)

۲۰۱

بر همین اساس مردم تلاش می‌نمایند تا بر اساس نیازهای خود در فضای سایبر و فضاهای وابسته به آن هویت یا هویت‌هایی تولید کنند، و تعداد روزافزونی از آنها توانسته‌اند صفحات شخصی خود را بر شبکه‌ها قرار دهند. هر کسی که به اینترنت دسترسی داشته می‌تواند این صفحات را بخواند. این صفحات هرگونه اطلاعات یا پیامی را که نویسنده صفحه تمایل داشت تا از طریق آنها با جهان ارتباط برقرار کند به تصویر می‌کشد. (Simbar, Karimi pashaki and ghasemian, 2015: 34) هرچند ایجاد این هویت‌های مجازی تا زمانی که متعرض به حقوق سایر افراد نشود، منع قانونی فعالیت ندارد اما دولت‌ها به جهت تأمین امنیت داده‌های کاربران و نیز جلوگیری از اقدامات ضدامنیتی از جمله فعالیت‌های تروریستی، تلاش می‌نمایند تا ضمن رصد شبکه‌های اجتماعی، کنترل فضای تبادل اطلاعاتی را تا حدودی در اختیار خود داشته باشند و به این ترتیب تلاش دولت‌ها در قالب سیاست‌های عمومی، قواعد و حتی قوانین نانوشته، به‌نوعی تحدیدگر و حتی در برخی موارد سرکوب‌گر عمل می‌نماید. لذا در برخی از کشورها این کنترل به فراخور اولویت‌های سیاسی و امنیتی به‌طور شخصی یا جمعی به ممانعت از دسترسی به اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و امکانات مربوط به آن و حتی ممنوعیت فعالیت مجازی و از طریق محدودسازی دسترسی، سیاست فیلترینگ و دیگر ابزارهای سرکوب‌کننده مورد اعمال از سوی دولت قرار می‌گیرد. تشدید این اعمال نظارت زمانی صورت می‌گیرد که امنیت ملی با مخاطره سایبری مواجه شود چراکه



درگیری سایبری احتمالاً وسیعتر از سایر انواع درگیری است. (Lonergan & Lonergan, 2023: 4)

۲-۳. حق دسترسی به اینترنت دریچه‌ای به سوی زندگی سایبری

فضای سایبر بخشی از فضای گسترده‌تر مجازی و در برگیرنده مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات است که امروزه بستر فعالیت را برای دسته‌های مختلف بازیگران در این عرصه مهیا ساخته است. (Karimi Pashaki & Monem & Kazemipour, 2016: 196) اینترنت، نیز تشکیل شده از یک شبکه جهانی از رایانه‌ها است که به یکدیگر توسط کابل‌هایی از جنس مس، فیبر نوری، امواج رادیویی و مایکروویو و... متصل هستند. این دسته از رایانه‌ها در شبکه‌هایی تو در تو و پیچیده از شبکه‌های محلی و بین‌المللی به واسطه شبکه‌های مخابراتی تشکیل یافته‌اند. با تشابه مغز انسان و اینترنت می‌توان شباهت آن را در وجود میلیون‌ها سلول عصبی و عصب‌های متصل از طریق سیم شبیه‌سازی کرد که باعث نقل و انتقال اطلاعات و در جریان نگاه داشتن این اطلاعات است. (Karimi Pashaki and Bordbar, 2019: 38)

با توجه به خصوصیات اینترنت به‌ویژه جهان‌شمولی، می‌توان آن را یکی از بسترهای مهم در تولید و تبادل اطلاعات محسوب کرد. لذا فرامرزی بودن اینترنت این امکان را می‌دهد که به سرعت اطلاعات در سرتاسر نقاط کره زمین و حتی ماوراء جو نیز انتقال یابد. بر همین اساس حق دسترسی به اینترنت به دلیل اثرگذاری مثبت آن بر حق آزادی بیان مستحق توجه بین‌المللی است، حقی که ذاتاً با توسعه انسانی و اقتصادی پیوند خورده است. (Yaraghi esfehani, 2022: 61) بر همین اساس، آزادی اطلاعات را یک حق بنیادی بشر دانسته‌اند که سنگ بنای تمام آزادی‌ها می‌باشد. (Miresmaeili and Maleki, 2013: 1) در این دیدگاه اینترنت در مکملیت با حق بر آزادی بیان و اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی آزادی انسان در بیان و عقیده و دسترسی به اطلاعات، ایجاب می‌کند تا لوازم آن نیز به مقتضای تکنولوژی عصر خود، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. لذا به این ترتیب است که این حق با حق زندگی پیوند ناگسستنی دارد چرا که آزادی‌های اساسی و حق‌های بنیادین بشر در انواع نسل‌های آن تضمینی بر حق زندگی می‌باشند. به شرح مذکور حق بر دسترسی اینترنت، تکمله‌ای بر

حق بر آزادی بیان و در امتداد حق بر زندگی می‌باشد. در دیدگاه دیگر، حق بر دسترسی به اینترنت در مقام تأمین منافع و کیفیت زندگی انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بر اساس این دیدگاه؛ در روزگار کنونی برای هر فردی که بخواهد زندگی با کیفیت داشته باشد دسترسی به اینترنت ضرورت دارد. مخالف این امر، فراهم نبودن امکان دسترسی به اینترنت منجر به بروز تبعیض‌های مختلف و شکاف دیجیتالی^۱ می‌شود. سطح نابرابر دسترسی کاربران در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به اینترنت و حتی سطح نابرابر دسترسی افراد مناطق روستایی، گروه‌های محروم مثل افراد توان‌خواه و افراد متعلق به گروه‌های اقلیت به اینترنت به دلیل نبود فناوری‌های دسترسی، هزینه‌های بالای دسترسی، سرعت پایین اینترنت و... به ظهور انواع نابرابری‌ها در درون کشورها و بین کشورها می‌شود. (Ansari, 2021: 58)

مبنی بر این حق و یا در مسیر تحقق آن، قطعنامه شماره ۵۶/۱۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۱، برگزاری اجلاس سران جامعه اطلاعاتی را در دو فاز به تصویب رساند. فاز اول این اجلاس از تاریخ ۱۰ لغایت ۱۳ دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو و نیز فاز دوم آن از تاریخ ۱۶ لغایت ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ در تونس به اجرا در آمد. اعلامیه اصول اجلاس جامعه جهانی نمونه‌ای مهم از تلاش کشورهای جهان در به رسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعات و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، محسوب می‌گردد که در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین و منتشر شد. در نتیجه آنچه که از اسناد بین‌المللی و نیز مذاقه در حق دسترسی به اینترنت حاصل می‌شود، وجود حقی برای زندگی سایبری به عنوان شقی از دنیای مجازی است که دریچه ورود به آن پذیرش حق بر دسترسی به اینترنت یا شبکه‌های مجازی می‌باشد.

۳-۳. حق داشتن هویت مجازی

هویت مجموعه‌ای از خصایص و ویژگی‌های انتقالی و یا اکتسابی افراد قلمداد می‌شود که مجموعاً معرف افراد است. هر چند که تعریف دقیقی از حق بر هویت وجود ندارد

^۱. شکاف دیجیتالی به معنای وجود نابرابری در دسترسی و استفاده از فناوری‌های رسانه‌ای بین کشورهای توسعه یافته و عقب مانده است. (Nourani, 2006)

اما کنوانسیون حقوق کودک به صراحت در بند ۱ ماده ۸، از حق هویت کودک حمایت کرده است در این بند بیان گردیده: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند که به حق کودک برای حفظ هویت خود، از جمله ملیت، نام و روابط خانوادگی که توسط قانون و بدون مداخله غیر قانونی به رسمیت شناخته شده است، احترام بگذارند.» اگرچه قید عبارت: «از جمله»، بیان از تمثیلی بودن اشکال سازنده هویت کودک در این سند قانونی دارد اما باید پذیرفت که این بند از یک حق مستقل در خصوص کودک حمایت می‌کند. (Mccombs and Shull, 2007: 7) اسناد حقوق بشر تا قبل از این سند، عناصر خاصی از هویت یک فرد مانند ملیت، آزادی فکر، وجدان و مذهب، آزادی بیان، احترام به زندگی خصوصی و حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حمایت می‌کردند. (Arkadas-Thibert, 2019: 282) اما حق پنداشتن هویت کودک نشان می‌دهد که داشتن هویت نیز می‌تواند واجد حق باشد که از طریق ظهور و حفظ آن قابل بحث و بررسی است. به همین دلیل است که حق حفظ هویت کودک از جمله در موضوعات ملیت، نام و روابط خانوادگی او، با فردیت و شخصیت کودکان در هم تنیده و آمیخته (Arkadas-Thibert, 2022: 60)، و به این ترتیب توانسته از جمله حق‌ها به شمار آید.

با توجه به اینکه داشتن و یا حفظ هویت به نوعی از جمله حق‌ها شناسایی شده است اما آیا می‌توان آن را به فضای سایبری نیز توسعه داد؟ به عبارتی آیا حق داشتن یا حفظ هویت مجازی در فضای سایبری در زمره حق‌ها به حساب می‌آید؟ عوامل سازنده هویت تنها دربرگیرنده عوامل شناخته شده و رسمی نیستند که افراد صرفاً خود را با آن معرفی می‌نمایند، بلکه می‌تواند در برگیرنده عوامل نهانی و یا وجوه ناشناخته‌ای باشد که ناشی از شخصیت افراد، هویت وی را تشکیل دهد. همین عناصر متداخل در مجاز، اما ظهوری واقعی دارند. این امر در فضاهای مجازی از جمله فضای سایبری، به دلیل چشم‌اندازی پویا و ابزارهایی فناورانه و فقدان محدودیت‌های متداول در زندگی روزمره، این امکان را فراهم می‌کند تا افراد هویت‌های متناسب علایق خود را با بیشترین اختیار و تنوع در نوع ساخت و کمترین محدودیت داشته باشند. لذا وقتی که افراد هویت انسانی خود را با مجموعه‌ای از برسازه‌های مجازی^۱ که آواتارها^۱ برای آن فراهم می‌کنند، ادغام

^۱. Virtual Prioritise

می‌نمایند، تبدیل به سایبورگ‌های^۲ مجازی می‌شوند و به این ترتیب، آن‌ها شخصیتی مافوق آنچه در زندگی انسانی‌اشان هستند، خلق می‌نمایند و امتزاج انسان و ماشین را در فعالیت‌های آنلاینها به طور پیش فرض، می‌پذیرند. (Krawczyk-Wasilewska, 2012: 97) فضای به وجود آمده، منادی شکل‌گیری هویت‌های مجازی از انسان واقعی است که در انطباق شخصیت زندگی واقعی افراد بر زندگی مجازی آنها، الزامی وجود ندارد. به عبارتی هویت‌سازی مجازی در فضای سایبری، می‌تواند با هویت در دنیای واقعی منطبق، تا حدودی منطبق و یا کاملاً غیرمنطبق باشد. هرچند که این عدم تطابق را نمی‌توان الزاماً در معنای اقدامات غیرقانونی و یا غیرمشروع و خرابکارانه تلقی نمود بلکه هویت‌های مجازی در فضای سایبری، ظهور در این واقعیت دارد که افراد می‌توانند آن هویتی را که می‌خواهند، داشته باشند و آن زندگی که مایل به آنند، اما در فضای سایبری طلب کنند. به این ترتیب حق بر داشتن هویت مجازی در فضای سایبری از دیگر الزامات زندگی سایبری محسوب می‌شود که البته اقتضائات و سازوکارهای خود را دارد.

۳-۴. حق زندگی سایبری

فضای سایبر به افراد اجازه می‌دهد تا به دقت خود را بسازند و با هویت آنلاین خود بازی کنند و نقش‌هایی را بپذیرند که معمولاً [در دنیای طبیعی] آن را انجام نمی‌دهند. (Dodge and Kitchin, 2001: 23) مجموعه این نیازها و به تبع آن امکانات و توانایی‌های سایبری، موجد حقی است که جبر تکنولوژیک باعث آن شده و آن «حق زندگی سایبری» می‌باشد. این حق مبتنی بر الگوهای مجازی، انسان را وابسته به خود نموده به نحوی که بدون دسترسی به آن عملاً انسان از هویت مجازی خود محروم و زندگی سایبری‌اش علیرغم حق داشتن هویت، کار، فعالیت اجتماعی، سرگرمی و حتی درمان و... سلب یا محدود می‌شود.

در همین راستا توجه به بند الف ۴ اعلامیه اصول اجلاس جامعه اطلاعاتی ناظر بر منع ایجاد ممنوعیت دسترسی به جامعه اطلاعاتی است. در این بند آمده است: «...هیچ کسی

^۱. آواتار یا چهرک؛ تصویر منتخب انتشار یافته کاربران به جای تصویر واقعی آنها در فضای سایبر است (Avatar).

^۲. Cyborg (سیستمی متشکل از موجود ارگانیک و ماشین)

را نباید از بهره‌بردن از مزایای فعالیت‌های جامعه اطلاعاتی محروم نمود.^۱ مبتنی بر آن می‌توان ادعا نمود، زندگی سایبری، مصون از تعرض است مگر به واسطه قوانینی که برخی اعمال در فضای سایبر را موجب سلب نظم عمومی و یا امنیت کشور بدانند. با این حال این دو عامل نیز نباید به گونه‌ای تنظیم و تنسيق یابند که عملاً سالب به انتفاء استفاده از فضای سایبر و نیز متعرض به زندگی سایبری باشند. لذا سیاست دولت‌ها در محدودسازی دسترسی کاربران به اینترنت بدون توجیه قابل قبول و قانونی که ضرورت آن مشخص شده است، می‌تواند مصداق نقض بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قلمداد گردد.

از سوی دیگر مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب که محلی برای نقش‌آفرینی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در قالب هویت سایبری افراد است، بدون موجهات قانونی و توجه به حقوق مکاتبه افراد به واسطه عمل برخی از دولت‌ها، موجب ورود ضرر مادی و معنوی به اشخاص می‌گردد. به ویژه این ضرر زمانی تشدید می‌شود که هیچ منع اولیه‌ای برای فعالیت در چنین شبکه‌هایی وجود نداشته اما به دلایل سیاسی یا امنیتی، مسدودسازی این شبکه‌ها محقق و موجب تضییع حقوق کاربران می‌شود. به این ترتیب حقوق ایجاد شده افراد در چنین فضاهایی مورد تعرض و یا سلب و نیز آسیب قرار می‌گیرد. بر همین مبنا گزارشگر ویژه سازمان ملل از کلیه کشورها خواسته تا اطمینان حاصل نمایند که دسترسی به اینترنت، از جمله در زمان ناآرامی‌های سیاسی مستمراً حفظ شود. (La rue, 2011: 21)

هویت مجازی در فضای سایبری از جمله مهمترین مولفه‌های زندگی سایبری می‌باشد. بر همین مبنا این هویت که الزاماً مبتنی بر واقعیت‌های طبیعی نیست، اساس فعالیت افراد را در فضای سایبر شکل می‌دهد. هر چند که این هویت می‌تواند سیال، متفاوت و حتی

^۱. «ما اعلام می‌داریم یکی از اصول جامعه اطلاعاتی، همانطوریکه در بند ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده، حق آزادی بیان و آزادی عقیده برای همه است و این حق شامل آزادی حفظ عقاید بدون دخالت دیگران، حق یافتن، دریافت و بهره‌مند شدن از اطلاعات و ایده‌ها از طریق هر رسانه‌ای، بدون توجه به مرزها می‌باشد. ارتباطات یکی از اساسی‌ترین فرآیندهای اجتماعی، از اصولی‌ترین نیازهای بشر و پایه تمام سازمانهای اجتماعی است. این موضوع در مرکز جامعه اطلاعاتی قرار دارد. هرکسی، در هر کجا باید فرصت مشارکت در جامعه اطلاعاتی را دارا باشد و هیچ‌کسی را نباید از بهره‌بردن از مزایای فعالیتهای جامعه اطلاعاتی محروم نمود.»

عجیب باشد اما با این حال از آن به عنوان هویت نام برده می‌شود. از سوی دیگر الزامی به اینکه هر فرد در فضای سایبر یک هویت مختص به خود داشته باشد، وجود ندارد. اما همواره خصوصی بودن و حفظ حریم شخصی و تعلق مالکیت معنوی این هویت جزء حقوق صاحبان هویت محسوب می‌شود. بنابراین در فضای سایبر، زندگی مبتنی بر این هویت یا هویت‌ها جریان می‌یابد و تعرض به آن از حیث محدودیت یا ممنوعیت دسترسی و یا هر اقدامی که هویت و جریان دسترسی به آن را برای کاربر غیرقابل استفاده مطلوب نماید، عملاً تعرض به حقوق مادی و معنوی صاحبان آن قلمداد می‌گردد و این امر منجر به تعرض به زندگی سایبری افراد خواهد شد. در نتیجه حق بر زندگی سایبری متضمن، زندگی افراد در فضای سایبر اعم بر دسترسی، استمرار، مصونیت حقوق مادی و معنوی از تعرض و حق برخورداری از هویتی مجازی در قالب این زندگی می‌باشد. این حق به واسطه تکلیف بر تضمین آن توسط دولت‌ها در قوانین ملی، بعضاً وجود دارد اما با این وجود به طور مستقل نمی‌توان سند الزام‌آور صادره از مجامع بین‌المللی در خصوص تضمین آن اشاره نمود اما همانطور که بیان گردید، می‌توان حق زندگی سایبری را از شئون حق زندگی محسوب و اصول و قواعد ناظر بر این حق را، بنا به اقتضائات، بر آن مترتب دانست.

۳-۵. حق زندگی سایبری و نسبت آن با حقوق بشر

هر چند به طور واضح و شفاف از حق دسترسی به اینترنت و یا حق بر زندگی سایبری در اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سخنی به میان نیامده است اما این امر نه از روی غفلت بلکه به دلیل جدیدالحدوث بودن تأسیس این فضا و نیز جامع‌الشمولیت امروزی فضای سایبر به نسبت زمان وضع این اسناد است. بنابراین در احکام مندرج در این اسناد مشابه اعلامیه اصول اجلاس جامعه جهانی نمی‌توان حکم مشخصی در خصوص حق بر دسترسی به اینترنت یا حق‌های ناظر بر پیوستن و نیز بهره جستن از جامعه اطلاعاتی یافت. با این حال، حق بر آزادی بیان و عقیده که شامل آزادی در تفحص، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر، وفق ماده

۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است و دسترسی به رادیو، تلویزیون، اینترنت و پایگاه‌های اینترنتی به صورت رایگان یا ارزان نیز باید توسط دولت‌ها فراهم گردد و همچنین دولت موظف به توسعه زیرساخت‌های ارتباطی است. (Abbasi, 2016: 36) با فراگیری فضای سایبر در سطح جهان، سازمان‌های بین‌المللی از جمله کمیته حقوق بشر سازمان ملل و نیز دولت‌ها، تلاش‌هایی را برای به رسمیت شناختن دسترسی به اینترنت و فضای سایبر به عنوان حقوق اساسی و نیز مشترک میان بشریت، داشته‌اند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در گزارش عمومی شماره ۳۴ خود؛ آزادی دریافت و انتقال اطلاعات، عقاید و نظرات از طریق اینترنت را از جمله مصادیق ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذیل حقوق بشر دانسته است. (Human Rights Committee, 2013: 3) دولت‌ها نیز در راستای حمایت از این حق بعضاً از طریق موضع‌گیری و برخی نیز به واسطه وضع قوانین و یا صدور حکم توسط دادگاه‌های عالی از جمله شورای قانون اساسی؛ دسترسی به اینترنت را به عنوان حقی اساسی پذیرفتند. فرانسه در ژوئن سال ۲۰۰۹ بر اساس تصمیم شورای قانون اساسی؛ دسترسی به اینترنت را به عنوان حق بنیادین بشری اعلام نمود. (Sparks, 2009) در بند ۲ اصل ۵ از قانون اساسی یونان، همه افراد حق مشارکت در جامعه اطلاعاتی را دارند و دولت متعهد شده تا نسبت به دسترسی به اطلاعات ارسالی به صورت الکترونیکی و همچنین تولید، مبادله و انتشار آنها، با رعایت ضمانت‌های دیگری که در بخش‌های دیگر قانون اساسی آمده است، اقدام نماید. در هند نیز دادگاه عالی ایالت کرالا هندوستان حکم نمود که حق دسترسی به اینترنت بخشی از حق اساسی آموزش و همچنین حق حفظ حریم خصوصی طبق اصل ۲۱ قانون اساسی این کشور است. دولت‌های استونی، فنلاند و اسپانیا نیز به طور مشابه اقداماتی را در خصوص حفظ و تداوم حق بر دسترسی و استفاده از اینترنت معمول داشته‌اند و این امر توسط دولت‌ها در حال گسترش و توسعه می‌باشد. از این رو پرواضح است که اینترنت فرصت‌های بی‌نظیری را برای ارتقا و پیشرفت حقوق بشر فراهم می‌کند به‌ویژه حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات (Australian Human Rights Commission, 2013:30) اما این سؤال ایجاد می‌شود که حق بر زندگی سایبری که منحصر به دسترسی به اینترنت نیست و هر

دو حالت برخاسته و غیربرخط را در بر می‌گیرد، چگونگی به صورت مستقل می‌تواند جزء حقوق بشر محسوب شود؟ آیا برای تبیین این حق می‌بایست نسل جدیدی از حقوق بشر را ایجاد نمود؟ در واقع حق‌های ناشی از ایجاد جامعه اطلاعاتی و نیز دسترسی به اینترنت که باعث توسعه حق آزادی بیان و همچنین توسعه کمی و کیفی زندگی می‌شود در زمره حق‌های مربوط به نسل‌های دوم و سوم حقوق بشر محسوب می‌شوند با این حال اما این تقسیم‌بندی موید نگاه ابزاری به فضای سایبر است. به این معنا که فضای سایبر منحصراً در راستای رفع نیازها و حوایج بشری عمل کرده و محدود یا ممنوع کردن دسترسی به آن متعرض بر حق بر آزادی بیان و عقیده و نیز حق بر توسعه و ارتقای سطح زندگی است. بنابراین مستقل از آثار و نتایج استفاده از فضای سایبر، هویت تولید شده در این فضا، حق بر زندگی آن را قابل طرح، بحث و تأمل می‌نماید. زمانی که افراد هویت یا هویت‌های مجازی خود را با رعایت سایر قواعد ناظر بر حقوق بشر تولید می‌نمایند به‌ویژه وقتی که این هویت با هویت موجود در زندگی طبیعی و فیزیکی، متفاوت بوده و هم‌پوشان نمی‌باشد، آنگاه است که موجودیت مجازی جدیدی شکل گرفته و زندگی این موجود جدید از جمله حق‌های اساسی به حساب می‌آید چرا که نمودی از اراده افراد اما در فضای سایبر است.

بنابراین مصونیت از تعرض و تضمین حفظ این زندگی سایبری امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به طور مثال شاید افراد در زندگی فیزیکی خود به دلایل مختلفی از جمله روحی و روانی، امکان تصدی شغلی مانند بازاریاب را نداشته باشند اما فضای سایبر این امکان را به ایشان می‌دهد تا بتوانند بدون محدودیت‌ها و معذوریت‌هایی که در زندگی فیزیکی وجود دارد، هویت مجازی خویش را در این شغل به وجود آورده و اتفاقاً موفق نیز عمل نمایند و یا اینکه افرادی استمرار زندگی فیزیکی و یا سلامتی آنها منوط به استفاده از ابزارهای واقعیت مجازی باشد. در نتیجه حفظ چنین هویت و یا حیاتی، علاوه بر تأثیر یافتن از حق‌هایی چون: حق بر داشتن شغل، حق بر دسترسی به اطلاعات، حق بر توسعه کمی و کیفی زندگی و... موجب حقی برای زندگی سایبری خواهد شد.

۳-۶. ظهور نسل چهارم حقوق بشر

ظهور اینترنت و فعالیت‌های آنلاین چالش‌های بزرگی برای حفظ حریم خصوصی، آزادی بیان و سایر حقوق مربوط به بشر ایجاد نموده است. اما این چالش‌ها نافی تأثیر گسترده فعالیت‌های سایبری بر جوامع امروزی نیست. (Kittichaisaree, 2017: 45) پس از ظهور سه نسل از حقوق بشر، هنوز در موضوع حق‌های جدیدی که می‌تواند در نسل چهارم حقوق بشر از آن نام برد، اتفاق نظر حاصل نشده است. به اعتقاد برخی از حقوقدانان از جمله هلمنس، دفاع از حیثیت و کرامت انسانی در مقابل سوءاستفاده از علم (Helmans, 2007: 3) ناظر بر نسل چهارم حقوق بشر، عنوان شده است و در دیدگاه جدیدتر هدف نسل چهارم حقوق بشر حفاظت از جان انسان‌ها در مقابل حضور انواع جدید هوش می‌باشد به عبارتی نسل چهارم رابطه بشریت با موجوداتی با هوش مشابه یا بیشتر مربوط می‌شود که در زندگی ما وجود دارند، موجوداتی کاملاً متفاوت نسبت به حیوان. (Risse, 2021: 9) در واقع این دیدگاه ناظر بر حفاظت انسان در برابر هوش مصنوعی استوار است. در این رویکرد ضرورت محافظت از بشر ضعیف در مقابل طیف وسیعی از موجودات آگاه با درجات مختلف توانایی و قدرت مطرح می‌شود. (Tegmark, 2017: 348) از سوی دیگر برخی از صاحب‌نظران معتقدند که نسل چهارم حقوق بشر مربوط به حقوق مرتبط با مهندسی ژنتیک و نیز اکتشافات و بهره‌برداری از فضای کیهانی است. مطالعه ژنوم انسان، دستکاری ژنتیکی، لقاح آزمایشگاهی، اتانازی و اصلاح نژاد و مواردی مشابه باعث درگیر شدن افکار عمومی گردیده به نحوی که شورای اروپا به کشورهای عضو توصیه کرده است تا اصولی را اتخاذ کنند که بر رابطه بین مهندسی ژنتیک و حقوق بشر حاکم باشد به گونه‌ای که حق زندگی و کرامت به عنوان حقی بر ویژگی‌های ژنتیکی یک فرد قابل درک گردد. (Cornescu, 2009: 7) حقوقدان دیگری نیز برای نسل چهارم حقوق بشر مجموعه‌ای از حقوق زنان و حقوق بین‌نسلی (حقوق نسل‌های آینده، از جمله کودکان موجود) را پیشنهاد می‌دهد. (Weston and Grear, 2016: 14) جمع دیدگاه‌های مطرح شده نسل جدید حقوق بشر را حول محورهای پیشنهاد نموده است:

۱- حقوق زنان و قائل شدن به نقش بازیگران اصلی جامعه بشری برای آنان.

- ۲- حقوق نسل‌های آینده.
- ۳- حقوق مرتبط با گونه‌های مختلف بیولوژیک.
- ۴- حقوق حیوانات.
- ۵- حقوق مرتبط با حفاظت و نگهداری از تمدن‌ها.
- ۶- حقوق در برگیرنده انسان‌سازی و اجتماعی ساختن فضای حیات انسانی.
- ۷- حقوق دسترسی به اطلاعات.
- ۸- حقوق ارتباطات انسانی، تبادل اطلاعات و مخابرات. (Babazadeh)
(moghadam, 2020: 209)

۲۱۱



تحلیل مفهوم «حق
زندگی سایبری» و
نسبت آن با حقوق
بشر

با این وجود اما تقسیم‌بندی مذکور نیز قابل نقد است. به زعم برخی از صاحب‌نظران حقوق دسترسی به اطلاعات و حقوق ارتباطات انسانی، تبادل اطلاعات و مخابرات در زمره حق‌های بشری نسل سوم هستند. فلذا اگر به این دسته از حق‌ها در بستر حق آزادی بیان برخط و غیربرخط نگریسته شود، برای مدیریت چالش‌های جدید در دنیای دیجیتال نیازی به ایجاد دسته‌بندی جدید حقوق بشر نیست اما از منظر چگونگی اجرا، احترام و حفاظت از حقوق طبیعی افراد در فضای مجازی نیاز به مقررات هوشمند دقیق‌تری بر اساس حق‌های موجود وجود دارد که برای مقابله با عوارض جانبی و سوءاستفاده از فناوری ارتباطات ضروری قلمداد می‌شود. (Kleinwachter, 2022)

حق بر زندگی سایبری به کیفیت مطرح شده صرفاً حق بر دسترسی به اطلاعات یا اینترنت محسوب نمی‌شود چرا که در تعاریف مطروحه، فضای سایبر اعم بر آن محسوب می‌گردد. درک هویت‌های مجازی فعال در فضای سایبر و ارتباطات و روابط اجتماعی مجازی آن این موقعیت را به آن می‌دهد که به عنوان حقی از جمله حق‌های بشری به حساب آید و این امر زمانی اهمیت می‌یابد که فضای سایبر در کلیه شئون زندگی حاکم گردد و زندگی مجازی به‌عنوان بخشی از حقایق زندگی فیزیکی، حیات انسانی را وابسته به خود نماید. بنابراین به نظر می‌رسد قبل از اینکه هوش مصنوعی به عنوان عاملی برای تهدید انسان‌ها قلمداد گردد، حق استفاده از آن به عنوان حق بشری مورد تأیید قرار گیرد چرا که زندگی آینده بشریت وابستگی پیچیده‌ای با هوش مصنوعی، فضای سایبر و دنیای دیجیتال خواهد داشت.

نتیجه گیری

برای برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری عمومی، فهم نیازهای روزآمد بشری امری ضروری است چرا که این فهم منجر به درک حق‌های جدید و به تبع آن ایجاد تضمین‌های حفظ این حق‌ها از طریق تدوین تکالیف می‌گردد. جهت فهم حق بر زندگی سایبری، می‌بایست این حق را در اقتضائات حاکم بر فضای سایبر تحلیل نمود و ملازمات تحقق این حق را از طریق نیازهای انسانی بازشناخت و سپس زندگی انسان امروز را در سلب دسترسی به این فضا تجسم نمود. زمانی که هویت یا هویت‌های ساخته شده کاربران در فضای سایبر، با ممنوعیت قهری دسترسی مواجه و یا ازبین می‌روند، عملاً زندگی مجازی کاربر تحدید شده که آثار آن نه صرفاً برای شخص کاربر بلکه بر سایر کاربران حاضر در این زندگی مجازی تأثیرگذار است. بنابراین چنانچه با دیدگاه سلبی به حق زندگی سایبری نگریسته شود، ضرورت‌های ایجابی و کارکردی آن باتوجه به نیازهای انسان امروز برجسته‌تر خواهد شد. در هر صورت حق بر زندگی سایبری، پس از قبول حق بر دسترسی به اینترنت و حق داشتن یا حفظ هویت مجازی، به عنوان حق شناخته شده‌ای قلمداد شده که در جمع برخی از حق‌های نسل سوم و نیز نسل چهارمی است. حق زندگی سایبری، حق انسان در ساخت و نقش‌آفرینی در فضایی مجازی با ابزارهای حاکم تکنولوژیک و در موضوعات متنوع است که می‌تواند موجد هویت یا هویت‌هایی مؤثر در زندگی فیزیکی و یا فارغ از آن گردد. از این رو است که این حق، در کلیت خود، قابل جایابی در نسل سوم حقوق بشر نیست. فلذا حق زندگی سایبری علیرغم آنکه معطوف به حق زندگی موضوع نسل اول حقوق بشر است اما به فراخور نیازها، سیاست‌های عمومی و تکالیفی که ایجاد می‌نماید در ردیف حق‌های نسل چهارم حقوق بشر جای خواهد یافت که به موازات آن هوشمندسازی زندگی و ایجاد فضایی هم‌عرض با فضای فیزیکی، افراد را معطوف و محصور خود می‌نماید. این امر زمانی درخور توجه بیشتر می‌گردد که در ردیف این نسل از حقوق بشر، مزایا و تهدیدهای هوش مصنوعی نیز در کارکرد فضای سایبر مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد.

- Abbasi, B (2016). Human rights and fundamental freedoms (three generations of human rights in Islam, Iran and international and regional documents), second edition, Tehran: Dadgstar Publications. [In Persian]
- Aghah, H (2003). Quran; The right to life, and existing challenges, In: Quranic researches, numbers 35 and 36, special issue of Quran and rights. [In Persian]
- Almog, S (2002). From Sterne and Borges to Lost Storytellers: Cyberspace, Narrative, and Law, In: Fordham Intellectual Property, Media & Entertainment Law Journal, Vol.13, No.1 (2002): 1-34.
- Ansari, B and Attar, S; Salehi, A (2023). Data Rights and Artificial Intelligence - Concepts and Challenges, Second Edition, Tehran: Sahami Enteshar. [In Persian]
- Ansari, B (2021). The right to access the Internet; Basics and Content, In: Legal Journal, Volume 84, Number 112, Winter 2019, pp. 51-79. [In Persian]
- Arkadas-Thibert, A (2022). The Right to Preservation of Identity, In: Monitoring State Compliance with the UK Convention on the Rights of the Child, edited by Z. Vaghri et al, 59-64. Switzerland: Springer.
- Australian Human Rights Commission (2013), background paper: Human rights in cyberspace, September 2013. pp.1-40.
- Babazadeh M.H (2020). An introduction to the fourth generation of human rights; Supporting Human Dignity in the Age of Communication, In: News Science Quarterly, Year 9, Number 34, Summer 2020, pp. 212-195. [In Persian]
- Basu, S and Jones, R (2007). Regulating Cyberstalking, Journal of information, In: Law and Technology, JILT 2007 (2), <http://go.warwick.ac.uk/jilt/2007_2/basu_jones/>
- Castells, E (2006). Information age, the emergence of networked society, translation: Ahad Aliqlian and Afshin Khakbaz, first volume, Tehran: Tarh e No Publications. [In Persian]
- Cornescu, A.V (2009). The Generations of human's Rights, Days of Law: The Conference Proceedings, 1. edition. Brno: Masaryk University, p.1-11.
- Dodge, M and kitchen, R (2001). Mapping Cyberspace, Rutledge publication.
- Fidler, D.P (2021). Research Handbook on International Law and Cyberspace, Edited by: Nicholas Tsagourias and Russell Buchan, Article: Cyberspace and Human rights, Publishing by Edward Elgar.
- Grande Branger, L.A (2023). Mediated Identities, How Facebook intervenes in the Virtual Manifestation of Our Identities. In: Virtual Identities and Digital Culture, eds by Victoria Kannen and Aaron Langille, 38-47. Newyork: Routledge.
- Gregory, D and et al (2009). Dictionary of human geography, Wiely-blackwell publication.
- Hamelink, C.J (1999). Human Rights in Cyberspace, in: Cyberidentities Canadian& European presence in cyberspace, edited by Leen D'Haenes and et. al, Publishing by University of Ottawa.

- Helmans, S.M (2007). The fourth category of human rights, translators: Hasan Kashfi Ismailzadeh and Mohammad Hossein Ramezani Qawamabadi, Public Law Quarterly, No. 2, March 2007, pp. 41-37. **[In Persian]**
- Human Rights Committee (2011). International Covenant on Civil and political Rights, 102nd session, General comment No.34. Geneva: 11-29 July p.1-13.
- Karimi Pashaki, S and Bordbar Tahergorabi, M (2019). An introduction to the geography of cyber space, Tehran: National Defense University Publications. **[In Persian]**
- Karimi Pashaki, S and Monem, R; Kazemipour, A (2016). Analysis of the components of the doctrine of cyber countries (Case Study: Islamic Republic of Iran), International Relations Researches Journal, Volume 5, Issue 15, January 2016, pp.193-220. **[In Persian]**
- Karimi Pashaki, S and Pishgahifard, Z (2015). Geographic perspective in the analysis of cyberspace functionality, In: Geographical Space Quarterly, No. 4, 47 series, pp. 233-256. **[In Persian]**
- Khosravi, A (2010). Conceptualization of virtual identity in cyber space, Rahavard Noor magazine, No. 32. pp.6-11. **[In Persian]**
- Kittichaisaree, K (2017). Public International law of Cyberspace, Springer International Publishing Switzerland.
- Kleinwachter, W (2022). Do we need a new Generation of Human Rights for cyberspace?, In: Observer Research Foundation. OCT 26 2022, <https://www.orfonline.org/expert-speak/do-we-need-a-new-generation-of-human-rights-for-cyberspace>
- Krawczyk-Wasilewska, V (2012). Matchmaking through avatars: Social aspects of online dating. In: Shaping Virtual Lives Online Identities, Representations and Conducts, edited by Violetta Krawczyk-Wasilewska, Theo Meder, and Andy Ross, 89-100. Łódź: University of Łódź.
- La Rue, F (2001). Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression, In: Human Rights Council, A/HRC/17/27. 1-22, United Nations.
- Lonergan, E.D and Lonergan, S.W (2023). Escalation dynamics in cyberspace, New York, NY: Oxford University Press.
- Louren, P.G (2013) The Evolution of International Human Rights: Visions Seen, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Maslen, S.C (2021). The Right to Life Under International Law- An Interpretative Manual, Cambridge: Cambridge University.
- Mccombs, T and Gonzalez JS (2007). Right to Identity, International Human Rights Law Clinic, University of California, Berkeley School of Law (November 2007).
- Mengin, F (2004). New information Technologies and the Reshaping of Power Relations: An Approach to Greater China's Political Economy", in: Cyber China- Reshaping National Identities in the Age of Information, edited by Francoise Mengin, 1-16. London: Palgrave Macmillan.

- Mireasmali, B.S and Maliki F.S (2013). review of UNESCO documents related to information society (wsis) and freedom of information, Media studies, 8th year, number 23, winter 2013, pp. 1-14.
- Nourani, M (2006). Digital divide”, In: World Media Journal, No. 2. **[In Persian]**
- Qari Seyed Fatemi, S.M (2000). Haq Hayat, Legal Research Journal, Nos. 31 and 32, pp. 150-166. **[In Persian]**
- Rajaei, F (2003). Globalization Phenomenon - Human Condition and Information Civilization, translated by Abdul Hossein Azarang, second edition, Tehran: Aghat Publications. **[In Persian]**
- Risse, M (2021). The Fourth Generation of Human Rights: Epistemic Rights in Digital lifeworlds, In: Moral Philosophy and Politics. 8(2). pp.351-378.
- Roth, M.T (1997). Law Collections from Mesopotamia and Asia Minor, 2nd Edition, Atlanta: Scholar Press.
- Sabbaghian, A (2011). Identity in cyber space, In: CyberSpace- The Ethical, Legal and Societal Implications of Cyberspace, edite: Yunus Shokrkah, Tehran: Tehran University Publications. **[In Persian]**
- Simbar, R and Karimi Pashaki S; Ghasemian A (2015). An Introduction to Cyber Terrorism and Digital Security, Gilan: Gilan University Press. **[In Persian]**
- Sparks, L (2009). Internet Access is a fundamental human rights, rules Franch court, Daily Mail, 11 Jun 2009, 22:53 EST, <https://www.dailymail.co.uk/news/article-1192359/Internet-access-fundamental-human-right-rules-French-court.html>
- Taherikia, H (2022). Naked life in digital geography, Tehran: Publications of the Institute of Cultural and Social Studies. **[In Persian]**
- Tegmark, M (2017). Life 3.0 Being human in the age of Artificial Intelligence, Publishing by Alfred A. knopf.
- Tobin, J and Todres J (2019). The right to preservation of a child’s identity.” In: The UN Convention on the Rights of the Child: A commentary, edited by J. Tobin, 281–306. Oxford: Oxford University Press.
- Warf, B (2006). Encyclopedia of Human geography, Sage publication.
- Weston, B.H (2016). human Rights: Conept and Content”, In: Human Rights in the World Community Issies and Action, 4th Edition, edited by Richard Pierre Claude and Burns H. Weston. Pennsylvania: University of Pennsylvania. pp.7-14.
- Yaraghi Esfahani, M (2022). examining the possibility of recognizing the right to access the Internet as a human right”, Scientific Quarterly of International Law Research, 14th volume, number 54, winter 2022, pp. 74-59. **[In Persian]**